

مختصری از تاریخچه

” چریکهای فدائیی خلق ایران ”

موسسوم به گروه

” اشرف دهقانی ”

از همان ابتدای تاسیس سازمان دریکه‌های فدائی خلق
ایران مباحثات حد ایدئولوژیک در درون سازمان
جریان داشت. همه اعضاء سازمان ضرورت بکارگیری
تاکتیکهای مسلحانه بعنوان تاکتیک مسور سازمان
اتفاق نظر داشتند ولی در توضیح ضرورت و چگونگی
بکارگیری آن اختلاف نظرهای جدی در درون سازمان
وجود داشت. طرفداران رفیق مسعود احمدزاده
(در سال ۵۰ اعدام شد) معتقد بودند که شرایط
عینی انقلاب در ایران فراهم است و با آغاز مبارزه مسلحانه
نه توسط سازمان این مبارزه بسرعت ابعاد خود را
خواهد یافت. آنها کلیه اشکال غیر مسلحانه مبارزه
را نفی میکردند. در حالیکه رفیق بیژن جزئی وجود
شرایط عینی انقلاب در ایران را نفی کرده و معتقد
بود که در جوار تاکتیکهای مسلحانه باید از سایر
تاکتیکهای مبارزاتی نیز استفاده کرد. در رابطه با
مسائل جهانی هم نظرات مسعود احمدزاده شدیداً
بسه سموم مائوئیستی آغشته بود. آنها از مواضع

حزب کمونیست چین پشتیبانی میکردند در حالیکه رفیق جزئی مواضع حزب کمونیست چین را رد کرده ، شوروی را دوست و پشتیبان جنبش رها بیخشم ملی ایران میدانست . خیلی زود نظرات بیژن جزئی طرفداران بیشتری در سازمان پیدا کرد و بالاخره در سال ۴۵ پس از یک دوره مبارزه ایدئولوژیک حاد این مباحثات به پیروزی کامل نظرات جزئی در سازمان انجامید ولی تعدادی از اعضاء سازمان به دفاع از مواضع مسعود احمدزاده ادامه دادند . آنها در سالهای بعد باز هم تضعیف شدند آنچنانکه در آستانه انقلاب تعداد بسیار محدودی از اعضاء سازمان را تشکیل میدادند . پس از انقلاب مباحثات ایدئولوژیک در درون سازمان در سطح عالیتوی جریان یافت و مسئله پذیرش یا عدم پذیرش مشسی چریکی و ضرورت یا عدم ضرورت وجود حزب طبقه کارگر برای رهبری مبارزات طبقه کارگر ایران در دستور بود . طرفداران مسعود احمدزاده که دوتن از اعضاء قدیم سازمان منجمله اشرف دهقانی و تعدادی از زندانیان سابق که در جریان

انقلاب آزاد شده بودند را شامل میشدند با یکدیگر تماس گرفته و به سازماندهی پرداختند. آنها در تیر ماه سال ۱۳۵۸ جدائی خود را از سازمان اعلام کردند. اعلام انشعاب آنها از طریق انتشار جزوه ای با عنوان "مصاحبه با اشرف دهقانی" اعلام شد. اشرف دهقانی از اعضای قدیمی سازمان بود که بدلیل مقاومت در زندانهای رژیم شاه در میان هواداران سازمان شهرت داشته از محبوبیت برخوردار بود. در این مصاحبه وی مواضع مخشوش و عقب مانده ای که سالها قبل توسط اکثریت قریب باتفاق اعضای سازمان نفی شده و نادرستی آنها اثبات گردیده بود ارائه داد. وی بر صحت نظرات مسعود احمدزاده پافشاری کرده و مبارزه مسلحانه را تنها تاکتیک قابل اتکاء در همه شرایط اعلام کرد. وی انقلاب بهمن را نفی کرد و آنرا شکست خورده دانسته و تلویحاً ضرورت تدارک و آغاز مبارزه مسلحانه علیه ج.ا را مطرح کرد. در این جزوه در رابطه با مسائل جهانی مواضع گروه اعلام نشد ولی آنها هنوز حزب کمونیست شوروی را

رویزیونیست دانسته و بشدت علیه شوروی تبلیغ می‌کردند

هر چند حزب کمونیست چین را نیز خائن به جنبش کمونیستی دانسته و انرا نفی می‌کردند . آنها بشدت به

رهبری سازمان حمله کرده و رهبری را خائن بگذشته

سازمان معرفی کرده و اعتقاد داشتند که رهبری

سازمان راه پیشین سازمان را نفی کرده ادامه دهنده

مبارزین و شهدای گذشته سازمان نیست و حق ندارد

از نام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران استفاده کرده

و خود را ادامه دهنده و تکالی دهنده سازمان بدانند .

آنها می گفتند چون نظرات بخش مهمی از موسسین سازمان

با مواضع آنها انطباق دارد پس آنها ادامه دهندگان

اصلی راه سازمان میباشند . مواضع آشکارا نادرست و

افراطی آنها نمیتوانست در میان هواداران سازمان که

جریان یک انقلاب را بعینه دیده بودند هواداران زیادی

پیدا کند و با پاسخگویی فوری و رد مواضع آنها توسط

سازمان این جریان بسرعت منزوی شد و هیچگاه نتوانست

از صورت یک گروه کوچک و منزوی خارج شود . آنها نثریه

مرتب نداشته و فاقد ارگان رسمی بودند . در طی سالهای

۵۹ و ۶۰ تنها فعالیت آنها تشکیل چند گروه مسلح در کردستان بود. هسته های مسلح آنها در همکاری با گروه مائوئیستی کومه و یا بطور مستقل در عملیات نظامی علیه ج. ا شرکت داشتند. پس از آغاز مبارزه مسلحانه توسط سازمان مجاهدین در سال ۶۰ اعضای این گروه در همکاری با گروه اتحادیه کمونیستهای ایران به تشکیل هسته های مسلح در جنگلهای شمال ایران مبادرت کرده و در تعدادی از عملیات نظامی منجمله حمله به شهر آمل شرکت داشتند. در جریان این درگیریها اکثر اعضای ورهبران این گروه کشته شدند و تعدادی نیز به خارج از کشور گریختند. در طی این دوره در رابطه با چگونگی شرکت در مبارزه مسلحانه و همچنین مسائلی کاملاً ذهنی و دور از مبارزات عملاً موجود مردم ایران اختلافات درون این گروه حادث شده و بزودی به دو گروه کوچکتر تقسیم شدند. این گروهها فاقد فعالیت عملی و نظری بوده و هیچ نقشی در مبارزات مردم ندارند. تعداد هواداران آنها بسیار قلیل است و هیچ پایگاه و نقودی در ایران ندارند و حتی در میان دانشجویان خارج از کشور نیز تنها تعداد بسیار محدودی هوادار دارند.